

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵۲۱۲ - ۲۰۱۱



دانشکده علوم حدیث (قم)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

بررسی مبانی نظری و دامنه تطبیقی

قاعده «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةٌ»

استاد راهنما

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد احسانی فر لنگرودی

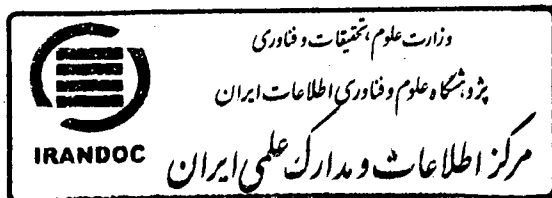
استاد مشاور

دکتر هادی حجت

دانشجو

سید مصطفی رضوی

بهمن ۱۳۸۸



۱۵۶۱۱۲

۱۳۹۰/۲/۱۱



جامعة العلوم الحديث (قم)

كلية علوم الحديث

رسالة لنيل درجة الماجستير

فرع

علوم الحديث

تخصص

التفسير الاثري

عنوان الرسالة

قاعدة «إِيَّاكَ أَغْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةَ» التفسيرية

بين النظرية و التطبيق

الأستاذ المشرف

محمد الاحساني فر اللنگرودی

الأستاذ المساعد

الدكتور هادي الحجبت

الطالب

السيد مصطفى الرضوي

موعد المناقشة

صفر - ١٤٣٦

تمام حقوق این اثر ، متعلق به دانشکده علوم حدیث قم می باشد.

باسمہ تعالیٰ



دانشکده علوم حدیث (قمر)

ارزیابی پایان نامه

کارشناسی ارشد

پایان نامه آقای سید مصطفی رضوی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری با عنوان:

بررسی مبانی نظری و دامنہ تطبیقی قاعدہ تفسیری «ایک اعنی و اسمعی یا جارة»

تہیہ و در جلسہ دفاعیہ تاریخ ۸۸/۱۱/۱۹ با درجہ:

- عالی (۲۰-۱۸)
- بسیار خوب (۱۸-۱۶)
- خوب (۱۶-۱۴)
- ضعیف (۱۴-۱۲)
- غیر قابل قبول (زیر ۱۲)

به تأیید هیأت داوران رسید.

هیأت داوران:

امضا	مرتبہ علمی	نام و نام خانوادگی	سلامت
		حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد احسانی فر	استاد راهنما
		دکتر ہادی حجت	استاد مشاور
	دالینا	دکتر جعفر نکونام	استاد داور
		حجت الاسلام علی اکبر ابراہیمی	نماینده تحصیلات تکمیلی

﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ

مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ

وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزَجَّلَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ

يوسف: ٨٨ ﴿ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ۝

تقديم به :

عمة السادات

دخت ولی الله

عمة ولی الله

بنت موسی بن جعفر (علیهما السلام)

فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

هم او که دستم بگرفت و بر سفره علم و کرم خود بنشانند.

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

تقدير و تشكر

از كليه اساتيد و مسئولان دارالحدیث به ویژه از محدث معاصر،
خادم الحدیث و الاثر، حضرت آیت الله ری شهری «دام ظلّه»

از استاد محترم راهنما جناب حجة الاسلام و المسلمین احسانی فر
لنگرودی و استاد محترم مشاور جناب دکتر حجت،

و به گونه ای متفاوت از پدر و مادر گرامی و همسر فداکارم که
زحمات فراوانی را در راه تحصیل بنده متحمل شدند.

چکیده

یکی از ابزارهای عقلایی و اسلوبهای بیانی برای تفهیم و مفاهمه، کنایه است و در میان گونه‌های کنایه نیز شیوه کنایه تعریضی مبتنی بر ضرب المثل «ایاک اعنی و اسمعی یا جارة» از روشهای متداول در محاورات عرفی است. خاستگاه ضرب المثل و نحوه دلالت، نوع کنایه به کاررفته در آن را در فصل اول آورده ایم.

برای اثبات حجیت این قاعده می‌توان دلایل و مستندات متعددی را ارائه نمود. آیات مختلفی وجود دارد که خطاب آن به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، اما حکم آیه اختصاص به ایشان نداشته، سایر مسلمانان را هم شامل می‌شود. در آیاتی دیگر هرچند خطاب به پیامبر است، اما حکم آیه به امت او اختصاص دارد و چنین حکمی در مورد آن حضرت از قبیل سالبه به انتفاء موضوع است.

احادیث متعددی نیز از طرق مختلف نقل شده است که بعضی از آنها به صورت کلی و اجمالی بر این قاعده دلالت می‌کند و بعضی دیگر نیز به این قاعده تصریح نموده، آیاتی از قرآن را بر آن تطبیق می‌کند.

به جز قرآن و سنت، سیره عقلایی نیز از مستندات این قاعده به حساب می‌آید. چرا که این قاعده یکی از شیوه‌های ساری و جاری در عرف اهل محاوره بوده، در بین همه گروه‌ها و طبقات عقلا جریان دارد و سیره اهل شرع نیز بر همین قاعده جاری است. این سیره متصل به زمان معصوم (علیه السلام) بوده، نه تنها شارع مقدس آن را منع نکرده بلکه خود شارع نیز در کلماتش آن را به کار برده است.

این قاعده اختصاص به تفسیر ندارد بلکه مانند قواعد عقلائی دیگر، در علوم مختلف عقلی و نقلی از جمله عرفان، تاریخ، فقه، اصول، حدیث و کلام کاربرد دارد که در فصل سوم این تحقیق، از هر کدام نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

اصل بر این است که ظاهر کلام گوینده با اراده او مطابقت داشته باشد و کسی که مورد خطاب واقع می‌شود مراد اصلی و واقعی او باشد. به عبارت دیگر اصل بر عدم استفاده از این قاعده است و حمل کلام الهی بر این قاعده نیازمند دلیل است مثل اینکه اخذ به ظاهر آیه مخالف دلیل عقلی قطعی و یا مخالف آیات و روایات دیگر باشد که در این تحقیق از آن به عنوان شروط جریان قاعده نام برده ایم.

به یقین می‌توان گفت که قاعده «ایاک اعنی و اسمعی یا جارة» به صورت ارتکازی در تفسیر رعایت شده است و بسیاری از مفسران شیعه و سنی از آن استفاده کرده‌اند. عده قابل توجهی نیز به نام این قاعده تصریح کرده‌اند که در فصل چهارم به برخی از آنها اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: کنایه، تعریض، ضرب المثل، دلالت سیاق، دلالت تنبیه، اشاره و اقتضا، عرف تخاطب، منزل عرفانی، قاعده تفسیری.

نبذة

الكناية احدى الآلات العقلائية و الاساليب البيانية و فى اقسام الكناية ايضاً الطريقة المبتنية على تمثيل «إياكِ أَعْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةَ» من الطرق الرائجة فى المحاورات العرفية و قد ذكرنا منشأ التمثيل و كيفية دلالاته على الكناية فى الفصل الاول كما ذكرنا نوع الكناية الموجودة فيه.

يمكن اثبات حجية هذه القاعدة من الادلة المتعددة؛ فهناك بعض الآيات تخاطب النبى (صلى الله عليه و آله و سلم) و لكن حكم الاية لا يختص به بل يشمل الامة كما يشمل النبى (صلى الله عليه و آله و سلم) كما ان بعض الاخرى تختص بامته فقط دون شخص النبى (صلى الله عليه و آله و سلم) بل الحكم بالنسبة اليه من قبيل السالبة بانتفاء موضوعه. و هناك بعض الاحاديث ايضا تدل على هذه القاعده بالاجمال بعضها الاخرى تصرح باسم هذه القاعده و تنطبق عليها الآيات القرآنية.

و من الدليل عليها _مضافاً الى القرآن و السنة_ السيرة العقلائية. لَأنَّ قاعدة «إياكِ أَعْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةَ» من المناهج العرفية الرائجة عند اهل المحاورة و انها تجرى بين العقلا كافة باختلاف طبقاتهم و مسالكهم كما تجرى بين اهل الشرع و الشريعة و تنصل هذه السيرة بعصر المعصوم (عليه السلام) و استعملها الشارع فى كلماته و خطاباته فضلاً ان يمنعها و يردع عن جريانها.

و لا تختص هذه القاعدة بالتفسير، بل تجرى فى مختلف العلوم العقلية و النقلية من العرفان و التاريخ و الفقه و الاصول كما تجرى فى الحديث و الكلام و قد اشرنا اليه فى الفصل الثالث من هذا التحقيق. الاصل مطابقة ظاهر الكلام مع مراد المتكلم و ان يكون المخاطب هو المراد فى التخاطب. بعبارة اخرى الاصل عدم الاستفادة من هذه القاعدة و ان حمل الكلام على قاعدة «إياكِ أَعْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةَ» بحاجة الى الدليل كما اذا كان الاخذ بالدليل يخالف الدليل العقلى القطعى او يخالف الآيات الاخرى و نحن عبرنا عنه بشروط جريان القاعدة.

و من المسلم أنَّ هذه القاعده استعملت فى التفسير و لو بالارتكاز و استفاد منها كثير من مفسرى الشيعة و السنة و قد صرح البعض باسمها و نحن قد اشرنا اليهم فى الفصل الرابع.

المصطلحات: الكناية، التعريض، دلالة السياق، دلالة التنبيه و الاشارة و الاقتضاء، عرف التخاطب، المنزل العرفانى، القاعدة التفسيرية.

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۲
۱-۱- بیان مسئله	۲
۱-۲- سؤالات تحقیق	۲
۱-۳- ضرورت و اهداف	۲
۱-۴- پیشینه تحقیق	۳
۱-۵- فرضیات تحقیق	۳
۱-۶- مشکلات و موانع تحقیق	۳
۱-۷- روش تحقیق	۴

فصل اول

کلیات و تبیین مفاهیم

۱- مفهوم قاعده	۶
۲- مفهوم تفسیر	۸
۳- مفهوم کنایه	۹
۴- تعریض	۱۰
۵- ضرب المثل «إياك أغني و أسمعني يا جارة»	۱۳
۵-۱- خاستگاه این ضرب المثل	۱۳
۵-۲- ضبط عبارت تمثیل	۱۵
۵-۳- گونه های کاربردی این قاعده	۱۶
۵-۴- وجه تسمیه قاعده به این ضرب المثل	۱۷

فصل دوم

مبانی و مستندات این قاعده

۲۰	مقدمات ورود به بحث
۲۱	مقدمه اول: اصول و مبانی استنباط قواعد عقلی
۲۳	مقدمه دوم: روشهای تبیین یک قاعده تفسیری
۲۴	مقدمه سوم: شیوه های قرآنی در تخاطب
۲۴	مقدمه چهارم: اقسام دلالت های عرفی کلام
۲۶	مبانی و مستندات قاعده
۲۶	۱ - آیات
۴۲	۲ - احادیث
۴۲	۱-۲ - نزول قرآن بر طبق قاعده «إياك أُنِي وَاسْمِعِي يَا جَارَةَ»
۴۶	۲-۲ - بعثت پیغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) به «إياك اعني و اسمعي يا جارة»
۴۸	۲-۴ - تطبیق آیات بر این قاعده در احادیث
۵۱	بررسی دلالت حدیث
۵۵	نتیجه
۵۶	۳ - سیره عقلا

فصل سوم

گستره و شروط جریان قاعده

۶۴	الف - گستره تطبیق قاعده در علوم مختلف
۶۴	علم حدیث
۶۸	علم رجال
۷۲	علم اخلاق
۷۴	عرفان

علم فقه	۷۷
اصول فقه	۷۹
علم تاریخ	۸۰
کلام و عقاید	۸۱
ب - شروط تطبیق این قاعده	۸۳
مخالفت ظاهر کلام با تاریخ قطعی	۸۳
مخالفت ظاهر کلام با دلیل عقلی قطعی	۸۵
مخالفت ظاهر کلام با آیات قرآن	۸۷
مخالفت ظاهر کلام با اجماع مسلمین	۸۸

فصل چهارم

پیشینه تاریخی و فهرست آیات قابل تطبیق

پیشینه تاریخی استفاده از این قاعده	۹۱
قرن اول	۹۱
قرن دوم	۹۲
قرن سوم	۹۲
قرن ششم	۹۴
قرن هفتم	۹۷
قرن هشتم	۹۸
قرن نهم	۹۹
قرن ۱۱	۱۰۰
قرن ۱۲	۱۰۲
قرن ۱۳	۱۰۳
قرن ۱۴	۱۰۷
قرن ۱۵	۱۱۷

۱۱۹.....	فهرست آیات قابل تطبیق بر این قاعده.....
۱۱۹.....	آیاتی که خطاب آنها به غیر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) است:
۱۲۰.....	آیاتی که خطاب آنها به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است
۱۳۰.....	نتیجه گیری.....
۱۳۱.....	پیشنهاد.....
۱۳۲.....	ضمائم.....
۱۳۲.....	ضمیمه اول: مواعظ خداوند به حضرت عیسی (علیه السلام)
۱۴۳.....	ضمیمه دوم: منزل عرفانی «ایاک اعنی و اسمعی یا جارة»
۱۵۱.....	کتابنامه.....

پیش گفتار

- بیان مسئله
- سوالات تحقیق
- ضرورت و اهداف
- پیشینه تحقیق
- مشکلات و موانع

پیش‌گفتار

۱ - ۱ - بیان مسئله

یکی از ابزارهای عقلایی و اسلوب‌های بیانی برای تفهیم و مفاهمه، کنایه است. و در میان گونه‌های کنایه تعریضی نیز، شیوه مبتنی بر ضرب‌المثل «ایک اعنی و اسمعی یا جارة» از روش‌های متداول در محاورات عرفی است. این پژوهش بر آن است تا با تبیین ماهیت و مفاد قاعده «ایک اعنی و اسمعی یا جارة» به عنوان یک قاعده تفسیری، همراه با ذکر مبانی و مستندات آن و شفاف‌سازی گستره و شرایط تطبیق موجب اصلاح برداشتهای قرآنی شده، به فهم بیشتر قرآن کمک نماید.

۱ - ۲ - سوالات تحقیق

۱ - ۲ - ۱ - مفاد و ماهیت قاعده چیست؟

۱ - ۲ - ۲ - چه دلایل و مستنداتی بر جریان این قاعده دلالت دارد؟

۱ - ۲ - ۳ - گستره و شرایط جریان قاعده علاوه بر عرصه تفسیر تا چه اندازه است؟

۱ - ۲ - ۴ - چه شواهد ماثور و غیر ماثوری بر تطبیق این قاعده می‌توان اقامه کرد؟

۱ - ۳ - ضرورت و اهداف

علاوه بر ضرورت تبیین یکی از قواعد مهم و نسبتاً پرکاربرد تفسیری، نظر به این که عده‌ای از مسلمانان با توجه به ظاهر بعضی از آیات آنها را حمل بر معنای ظاهری کرده و حتی در مواردی منکر عصمت انبیا (علیهم

السلام) شده اند، تبیین این قاعده باعث اصلاح برداشت های قرآنی شده. پندار مخدوش بودن عصمت انبیاء (علیهم السلام) و بر طرف می شود. زدودن مجموعه ای از اندیشه ها و آثار مخرب از متون اصیل اسلامی و بالاخره رفع اتهام و دفاع از پاسداران واقعی قرآن و عترت می تواند از آثار فهم و تبیین درست این قاعده باشد.

۱ - ۴ - پیشینه تحقیق

تحقیقی با این عنوان و به صورت یک قاعده تفسیری نیافتیم؛ اما این قاعده به صورت پراکنده در کتاب های تفسیری و همچنین در روایات ماثوره از اهل بیت (علیهم السلام) مورد استشهاد قرار گرفته است. فخر رازی و علامه طباطبایی و دیگر مفسران شیعه و سنی نیز گاهی به این قاعده استناد می کنند. ظاهراً تحقیق مفصل و منقحی در این زمینه انجام نشده است.

۱ - ۵ - فرضیات تحقیق

- ۱ - ۵ - ۱ - این قاعده از قواعد مسلم و غیر قابل تردید در دانش تفسیر است.
- ۱ - ۵ - ۲ - ادله عقلی و نقلی قابل توجهی می توان بر این قاعده اقامه کرد.
- ۱ - ۵ - ۳ - هر جا که شرایط تطبیق این قاعده احراز شود می توان از آن استفاده کرد.
- ۱ - ۵ - ۴ - شواهد ماثور و غیر ماثور بسیاری از موارد تطبیق این قاعده وجود دارد.

۱ - ۶ - مشکلات و موانع تحقیق

برای انتخاب موضوع، پایان نامه های مختلفی مورد بررسی قرار گرفت و عناوین متعددی را مورد توجه قرار دادم. در ابتدا قصد داشتم پایان نامه خود را به زبان عربی تالیف نمایم، چرا که زبان قرآن و حدیث عربی بوده، حقیر

نیز انس ذهنی بیشتری با آن داشته، تحقیقات دیگر خود را نیز به این زبان می نوشتم. اما پس از مشاوره و راهنمایی اساتید محترم و به منظور استفاده بیشتر از این تحقیق، زبان فارسی برگزیده شد.

جدید بودن موضوع، کمبود و پراکنده بودن منابع تحقیق، از مشکلات این تحقیق بود به گونه ای که هیچ کتاب و مقاله ای در این زمینه نبوده، تنها در بعضی کتابهای تفسیری و علوم قرآنی به آن اشاره شده بود.

۱-۷- روش تحقیق

در ابتدا تحقیقی وسیع در کتابهای تفسیری و علوم قرآنی انجام گرفت و فیشهای تحقیقاتی اولیه جمع آوری شد. برای شکل و پیکره تحقیق نیز پایان نامه ها و خصوصا رساله های دکتری از دانشگاه های معتبر، مورد بررسی قرار گرفت تا این نوشتار از نظر شکل و هیئت نیز مشکلی نداشته باشد.

در مرحله بعد فیشهای تحقیقاتی مطالعه و سپس تبویب و عنوان بندی مناسب برای آن در نظر گرفته شد. اشاره به نکات کاربردی، پیدا کردن مصادیق و تطبیقات و حل شبهات در آیات نیز مورد توجه قرار گرفت.

فصل اول

كليات و تبیین مفاهیم

- مفهوم قاعده
- معنای تفسیر
- کنایه
- تعریض
- ضرب المثل «إِيَّاكَ أَعْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةٌ»

۱ - مفهوم قاعده

اصل و اساس هر چیزی را در لغت قاعده می گویند و از همین سو پایه های اولیه و اصلی را که خانه بر آن بنا شده است قواعد البیت می نامند.

طریحی می نویسد:

القواعد جمع القاعدة، و هی الأساس لما فوّه رفع القواعد البناء علیها لأنها إذا بنی علیها

ارتفعت. ۱

قاعده در اصطلاح به معنای اصل و قانون است. یعنی یک قضیه کلی که قابل تطبیق بر مصادیق و جزئیات فراوانی است همانطور که کلی طبیعی بر مصادیق متعدد قابل انطباق است.

مجمع البحرین می گوید:

" القاعدة" فی مصطلح أهل العلم الضابطة، و هی الأمر الكلی المنطبق علی جمیع الجزئیات،

كما یقال " كل إنسان حیوان و كل ناطق إنسان" و نحو ذلك.^۲

بعضی نیز گفته اند:

۱ طریحی فخر الدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش. ج ۳، ص: ۱۲۸.

۲. همان، ج ۳، ص: ۱۲۸.

القاعدة قضیة کلیة تعرف منها بالقوة القریبة من الفعل أحوال جزئیات موضوعها، مثل کل فاعل مرفوع، فإذا أردت أن تعرف حال زید مثلاً فی جاءنی زید، فعلیک أن تضم الصغری السهلة الحصول، أعنی زید فاعل مع تلك القضية، و تقول: زید فاعل، و کل فاعل مرفوع یحصل لك معرفة أنه مرفوع.^۱

قاعده قضیه ای است کلی که به صورت قریب بالفعل ویزگیها و جزئیات موضوعاتش بوسیله آن شناخته می شود. مانند: کل فاعل مرفوع. پس اگر بخواهی که وضعیت زید را در جمله «زید آمد» بدانی، کافیست که تنها یک صغری ساده را به آن اضافه کنی یعنی «زید در این جمله نقش فاعل را دارد» و اینچنین بگوئی: زید فاعل است و هرفاعلی مرفوع است تا اینکه علم حاصل کنی که زید نیز مرفوع است.

این کلمه به صورت جمع - القواعد - سه بار در قرآن به کار رفته است که دو بار در معنای لغوی^۲ آن - اساس و بنیان - و یک بار در مورد بانوان^۳ استعمال شده است.

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی قاعده روشن می شود که تعبیر به قاعده اختصاص به علم بخصوصی ندارد بلکه هر علمی از جمله تفسیر دارای قواعد و قوانین مخصوصی است. بنا براین قاعده می تواند فقهی، اصولی، تفسیری و غیره باشد. البته در بین قواعد مختلف به قواعد فقهی عنایت بیشتری شده است و کتابهای موجود در این زمینه از علوم دیگر بیشتر است.

۱. محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ۳ جلدی، ج ۳، ص: ۶۳.

۲. [قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ]
النحل: ۲۶ و « وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ [البقرة: ۱۲۷

۳. [وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [النور/ ۶۰